

## تحلیل گفتمانی و جامعه شناختی دفاع مقدس و تاثیر آن در تقویت همبستگی، وحدت و قدرت ملی

رضا التیامی نیا<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر درصدد تبیین نقش و کارکردهای سیاسی و اجتماعی دفاع مقدس در جامعه ایران می باشد. سوال اصلی پژوهش حاضر پرداختن به این سوال می باشد که کارکردهای سیاسی و اجتماعی دفاع مقدس چیست. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که دفاع مقدس ضمن تقویت ابعاد جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی عناصر ایرانی هویت ملی، فرصت بی نظیری نیز برای احیاء، بازسازی و تقویت عناصر مذهبی هویت جامعه ایران فراهم آورد. دفاع مقدس و سرمایه عاشورایی نهضت امام حسین (ع)، و نمادهای آن چون عدالت طلبی، آزادیخواهی، شهادت طلبی، مبارزه، قیام و استقامت در راه خدا و از جان گذشتگی و ایثار نقش اساسی در بسیج مردم علیه تهدیدات داخلی و خارجی، احیای هویت ملی و مذهبی و بازتولید قدرت و امنیت ملی در ایران ایفا نموده است. در مجموع رویکرد این پژوهش کیفی است و برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای و منابع معتبر فارسی و لاتین استفاده شده است.

### واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، گفتمان، قدرت ملی، همبستگی

eltyam81@yahoo.com

<sup>۱</sup> - استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول)



## بیان مسئله

در واقع گفتمان‌ها صورت‌بندی مجموعه‌ای از کدها، اشیاء، افراد و... هستند که پیرامون یک نقطه کانونی تثبیت‌شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگرها به دست می‌آورند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما از واقعیت و هویت جهان هستی را شکل می‌دهند. بنابراین، معنا و مفهوم انسان از واقعیت همواره گفتمانی است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹۷). کندیو کاو در تاریخ نشان می‌دهد که جنگ ایران و عراق ادامه همان درگیری فارس و عرب است که از سال ۶۰۶ قبل از میلاد مسیح (ع) آغاز شده و تا به امروز با همه تغییراتی که حادث شده است ادامه دارد. درگیری بین ایران و عثمانی و اعراب ریشه در مسائل مذهبی و اختلافات سرزمینی دیرینه بین دو کشور داشت (ابوغزاله، ۱۳۸۰: ۴۰). وجود دست کم ۱۹ منبع تنش و مشاجره بین دو دولت ایران و عراق، رکوردی مایوس‌کننده می‌باشد. هر یک از منابع می‌تواند در برهم زدن تعادل‌های موجود موثر قرار گیرد و حساسیت و شکنندگی روابط دو کشور بسیار زیاد است؛ با این وجود عراق بین ۱۵ کشور همسایه، می‌تواند بهترین متحد طبیعی ایران باشد. اکثریت شیعی عراق، نیازهای متقابل دو کشور به فضای سرزمینی یکدیگر، قرار داشتن عتبات عالیات و دیگر شهرهای مذهبی مورد علاقه شیعیان ایران در عراق، موضع تقریباً واحد دو دولت در برابر داعش، اسرائیل و آمریکا، سیاست‌های نفتی و لزوم دسترسی به ترتیبات مناسب امنیتی در خلیج فارس، تنها بخشی از چندین محور و پایه مشترک برای تفاهم همه جانبه دو کشورند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۵۲). با این وجود صدام حسین بر این باور بود که به منظور حفظ قدرتش نیاز است حمله پیشگیرانه‌ای علیه انقلاب اسلامی ایران انجام دهد و با حاکمیت عراق بر تمام شط العرب و لغو توافق الجزایر و کنترل سرزمین نفت خیز خوزستان سرنگونی و مهار انقلاب اسلامی را محقق نماید. وی متقاعد شده بود که با حمله به ایران به عنوان رهبر جهان عرب مطرح می‌شود و از این طریق بزرگترین رقیب خود یعنی حافظ اسد و مصر را به حاشیه خواهد راند. صدام بر این باور بود وقتی که اعراب با یک عمل انجام شده مواجه شوند از جمله کشورهای سلطنتی حاشیه خلیج فارس ( عربستان سعودی و کویت) هیچ گزینه‌ای جز حمایت از وی و تامین مالی جنگ صدام علیه ایران ندارند و اروپا هم از وی حمایت می‌کرد چون نگران گسترش انقلاب اسلامی در منطقه بودند.

آموزه‌های اسلامی سبب شده است تا ملت ایران در طول هشت سال دفاع مقدس، به بهترین نحو ممکن، مشکلات و مسائل و مصائب ناشی از جنگ تحمیلی و تجاوز دشمن بعثی و همپیمانان آن را تحمل کند و این فصل از تاریخ ایران را به فصل درخشان آن مبدل سازد. واضح است از آنجا که منابع فرهنگی و معنوی، اصلی‌ترین منبع توانمندی و نقطه مزیت آنان شمرده می‌شود، لذا

تهدیدات نرم‌افزاری نسبت به سایر تهدیدات از اهمیت و حساسیت بیشتری برخوردار است و شکست در عرصه فرهنگی و هویتی، در واقع به منزله شکست و اضمحلال قطعی پایه‌های یک نظام سیاسی و اجتماعی است. زیرا مهم‌ترین تکیه‌گاه و نقطه ثقل همبستگی، وحدت، قدرت و امنیت ملی و علت وجودی ایران به ماهیت فرهنگ و ساختار اعتقادی ایشان مربوط بوده و با از میان رفتن این زنجیره همبستگی و هویت ملی، اساساً وجود و بقای دولتها دیگر موضوعیتی نخواهد داشت. با نگاهی به تاریخ پرسابقه کشور خود می‌بینیم که کشور ما به دلیل موقعیت خاص راهبردی و داشتن یک نظام اعتقادی متقن و راسخ، خواه یا ناخواه، عرصه تاخت و تازها و تحولات متعددی بوده است. ظهور و پیروزی انقلاب اسلامی، استقرار نظام جمهوری اسلامی و نیز وقوع جنگ تحمیلی از جمله تحولات مهم ایران اسلامی در سالهای اخیر هستند که باعث دگرگونی‌هایی در ساختارها و هنجارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری، روحی، فرهنگی و هنری جامعه شده‌اند (رحیمیان، ۱۳۸۸: ۱).

فرهنگ دفاع مقدس به ویژه شهادت طلبی به منزله یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. مناسک، باورها و اعتقادات، انسان را در مسیر خاصی جهت دهی کرده تا بتواند اجماع و همبستگی را در جامعه شکل داده و مانع گسست و چند پارگی و شکاف‌های عمیق در بدنه جامعه شود و عوامل یکپارچگی در مقابل چندپارگی تقویت می‌شود (فصیحی، ۱۳۹۰: ۲۵-۴۷).

مردم و رزمندگان ایران، در دوران دفاع مقدس و مبارزه با رژیم پهلوی، با بهره‌گیری از نماد عاشورا، آیین‌های چهل‌شهادت و عزاداری‌های محرم را به عرصه مخالفت و مقاومت سیاسی و نظامی علیه رژیم پهلوی و رژیم بعثی صدام تبدیل کردند. در حقیقت، عاشورا و دفاع مقدس در بسیاری از ساحت‌های فرهنگی و سیاسی، معنابخش، راهبر و جهت‌دهنده رفتارهای جمعی مردم بوده است. اصطلاح کربلای جبهه‌ها و یا عاشورای ایرانی هر کدام یادآور واقعه‌ای در جمهوری اسلامی ایران است (کدی، ۱۳۶۹: ۴۰۰-۴۲۰).

از طریق روند حضور مردم در اجتماع است که نسل‌های قدیمی‌تر، فرهنگ جامعه و ارزش‌های خود را به نسل‌های جدید منتقل می‌کند و با توجه به چنین انتقالی است که جمهوری اسلامی ایران توانسته است فرهنگ تمدنی خود را استمرار بخشد. انقلاب اسلامی ایران از آغاز شکل‌گیری تاکنون، با سه نسل مواجه است: نسل اول، کسانی هستند که در سال ۱۳۴۲ جوان بودند و بخشی از عمر خود را در مبارزه با استبداد رژیم منفور سابق یعنی پهلوی گذراندند و به همراه امام (ره) موجب به وجود آمدن انقلاب اسلامی شدند و جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. نسل دوم که پرورده نسل اول است، کسانی هستند که موتور حرکت انقلاب اسلامی بودند و جنگ تحمیلی را اداره کردند و با کمترین

امکانات، توانستند بر ارتش صدام پیروز شوند و حماسه های جاودانه ای از خود به یادگار گذاشتند و در واقع نسل انقلاب و جنگ نام دارند. نسل سوم، فرزندان نسل دوم هستند و تجربه پیش از انقلاب، انقلاب و جنگ را ندارند. آینده کشور در اختیار همین جوانان نسل سوم انقلاب است. از این رو، شناخت صحیح این نسل و ویژگی های آنان و بازنمایی ارزشهای دفاع مقدس و کارکردهای آن از اهمیت بسیار ویژه ای برخوردار است و ضرورت توجه به آن در بخش های سیاستگذاری و اجرایی کشور را خاطر نشان می سازد. آیین های ملی و مذهبی و حضور مردم به ویژه جوانان در دفاع مقدس و آیین های آن ظرفیتی برای وحدت ملی و تجدید پیمان با انقلاب اسلامی می باشد. جوانان با حضور در این آیین ها در فرایند رو به رشد جامعه قرار می گیرند که این وضعیت نقش مهمی در استمرار حیات نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. (کیانی، ۱۳۹۸: ۷۱). دفاع مقدس کارکرد انتقال فرهنگی دارد. از طریق روند حضور مردم در این اجتماع است که نسلهای قدیمی تر، فرهنگ جامعه و ارزشهای خود را به نسلهای جدید تر منتقل می کنند و با توجه به چنین انتقالی است که جمهوری اسلامی ایران توانسته است فرهنگ تمدنی خود را استمرار بخشد. طبق نظر آقای کریمی پور هدف اساسی و غیر قابل تغییر هر حکومتی، بقای ملی است و این مهم در گرو مقوله تهدید است. در واقع امنیت و قدرت ملی هر کشوری از نظر تهدیدهای پیرامونی، تابع تعداد دولتها و کشورهای همجوار و ارزشهای اندیشه های آن جامعه است. شناخت و تحلیل دفاع مقدس و نقشی که در دوام و بقای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و تقویت قدرت و امنیت ملی ایران دارد از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. سوال اصلی پژوهش حاضر پرداختن به این سوال می باشد که نقش دفاع مقدس در بازتولید قدرت ملی، تقویت همبستگی، وحدت و امنیت ملی چیست. فرضیه پژوهش حاضر این است دفاع مقدس دارای کارکردهای اجتماعی و سیاسی مهمی نظیر تولید مشروعیت و کارآمدی، تولید معنی، جهت دهی و ارزشگذاری می باشد و از کارکرد انسجام بخشی، ایجاد همبستگی اجتماعی، مشروعیت بخشی و بازتولید قدرت در ایران برخوردار می باشد. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی می باشد.

### **پیشینه پژوهش**

با وجود اینکه در زمینه نقش و کارکرد سیاسی دفاع مقدس در تقویت قدرت و امنیت ملی می توان به برخی آثار اشاره کرد اما در حوزه سیاست آثار محدودی وجود دارد که به نقش و کارکرد سیاسی دفاع مقدس پرداخته شده باشد. در این زمینه به برخی از مهم ترین آثار اشاره می شود:

جنگ ایران و عراق (۱۳۰) اثر عبدالحلیم ابوغزاله، به تشریح مواضع جهانی قبل از جنگ، ریشه های

اختلاف ایران و عراق، عوامل موثر در جنگ، هجوم عراق و دخالت غرب و درسهایی از جنگ پرداخته است. در این اثر غالباً به آثار سوء سیاسی و اقتصادی جنگ پرداخته شده است.

-جنگ و هویت با رویکردی جامعه‌شناختی به جنگ (۱۳۸۴) اثر محمد کارکنان نصرآبادی به رابطه هویت و جنگ پرداخته شده است و اعتقاد دارد که هویت در جریان جنگ تقویت می‌شود و افراد جامعه از طریق وفاق و وحدت ملی و جمعی فارغ از احساسات دینی و قومی در کنار هم در برابر دشمنان خارجی ایستادگی می‌کند.

-مبانی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۷)، اثر حجت‌الله ایزدی به این مهم پرداخته است که فرهنگ در چارچوب ارزشهای عدالت و شهادت از مولفه‌های مهم قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است و فوکویاما از دو ارزش به عنوان دو بال شیعه یاد می‌کند که باعث فناپذیری این مکتب و پیروزی رزمندگان در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل می‌شود.

-تأثیرات واقعه عاشورا بر فرهنگ ایرانی (۱۳۹۲) اثر نعیمه ملاحسنی و محدرضا عرب بافرانی، به این نکته اشاره دارد که مهم‌ترین تأثیر عاشورا بر ادبیات و هنر ایران، نگارش اشعار آیینی، ادبیات حماسی و تعزیه است، عبارت‌هایی چون صحرای کربلا، یا حسین، ما اهل کوفه نیستیم، کربلای جبهه‌ها یادش بخیر از جمله این عبارت‌هاست و نیز شخصیت‌های عاشورا برای رزمندگان و مردم ایران جایگاه اسطوره‌ای و نمادین یافته‌اند و این تأثیرات عمیقی بر هویت و شخصیت ایرانیان داشته است.

مطالعه آثار و پژوهش‌های فوق و دیگر آثار مربوط به دفاع مقدس به خوبی نشان می‌دهد که نقش و کارکرد سیاسی دفاع مقدس در تقویت و تداوم قدرت و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران به درستی مورد بررسی قرار نگرفته است. پیروزی رزمندگان اسلام در جنگ تحمیلی حاصل بکارگیری ارزش‌هایی است از سوی رزمندگان ایرانی در برابر ارزش‌های حکومت بعثی عراق از جمله ملی‌گرایی، عربیت و الحاد و لیبرالیسم مورد استفاده قرار گرفت.

## تعریف مفاهیم

### ۱- قدرت

منظور از قدرت چیزی چیزی است که جامعه را بوجود می‌آورد و جهان اجتماعی را می‌سازد و معنادار می‌کند. بنابراین قدرت تمام فرآیندها و نیروهایی را که جهان اجتماعی را می‌سازند و آن را برای ما معنادار می‌کنند در بر می‌گیرد. قدرت مولد است: جهانی قابل سکونت را برای ما ایجاد می‌کند و ما را از آشفتنگی و بی‌قراری می‌رهاند (تاجیک، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

### ۲- هویت

در نظریه «لا کلاو موف» هویت همواره گفتمانی و در نتیجه تثبیت نشده است. آنتاگونیسم یا تنازع به هویت شکل می‌دهد. طبعاً هر هویت در واکنش با یک (دیگری) شکل می‌گیرد. بنابراین تنازعات مرزهای هویتی را مشخص می‌کنند (تاجیک، ۱۳۸۷: ۲۲۶).

### ۳- منابع ملی

منابع ملی از عوامل مختلفی تشکیل شده است. از جمله منابع ملی عبارتند از: متغیرهای فرهنگی نظیر خصوصیات و ارزشهای ملی، فرهنگ سیاسی، ایدئولوژی و مذهب، متغیرهای تاریخی، متغیرهای جغرافیایی، متغیرهای اجتماعی و متغیرهای اقتصادی.

### چارچوب نظری: جامعه‌شناسی کارکردی

کارکرد گرایان به طور کلی جامعه را نظامی واجد نظم و تربیت می‌دانند. این دیدگاه مبتنی بر تمثیل ارگانیک بین جامعه و ارگانیسم زنده است. از این منظر جامعه یک سیستم متشکل از اعضا و اجزای بی شماری است که هر یک باید کارکردهایی خاص را برای بقای کلی سیستم و دیگر اجزا و اعضای آن انجام دهد و نظم اجتماعی پدیده‌ای است که کارکردهای اعضای مختلف این سیستم را به صورتی مرتب و در سلسله مراتبی خاص به هم پیوند می‌دهد. کارکرد گرایان جامعه را نظام پیچیده‌ای می‌دانند که بخشهای گوناگون آن همراه با هم در جهت ایجاد ثبات و انسجام عمل می‌کنند. برخی از کارکردهای اجزای یک نظام عبارتند است:

### - کارکرد انسجام اجتماعی

از نظر امیل دورکیم، آنچه جامعه را سر پا نگه می‌دارد، احساس همبستگی میان اعضای آن است. وی برای درک ماهیت همبستگی به میزان و نوع تقسیم کار ارجاع داده است. وی بر این باور بود که در شرایط تقسیم کار کم و ساده که همبستگی مکانیکی را پدید می‌آورد، مردم کارهای همانندی انجام می‌دهند و از این رو تمایل دارند که مانند هم بیاندیشند و هنجار حاکم بر چنین جامعه‌ای نیز هم رنگی با جماعت است. در جامعه شناسی دین می‌توان درک بهتری از ریشه‌های همبستگی اجتماعی یافت (ریتر، ۱۳۸۹: ۴۶-۵۰).

از نظر جامعه‌شناسان، راه‌هایی که مناسک منجمله دفاع مقدس و آیین‌ها می‌توانند همبستگی اجتماعی را تقویت کنند عبارتند از:

**الف: تحکیم ارزشهای مشترک:** وقتی درگیری یا منازعه‌ای پیش می‌آید به خصوص در هنگام تهاجم خارجی، مناسک و آیینها منجمله دفاع مقدس می‌تواند نقاط

توافقی را ساختار بخشند. افراد و گروهها مسیرهای غالباً گوناگون کنش های شان را با تکیه بر ارزش های مذهبی تبیین و توجیه می کنند.

**ب: کاهش کشمکش و تقویت جامعه پذیری:** یکی از عوامل تهدید کننده همبستگی و انسجام ملی، تضاد و کشمکش است. مناسک و مراسم و نمادهای دفاع مقدس از طریق گردآوری افراد دور هم و نشان دادن سرچشمه های تنش به کاهش تنش و تقویت همبستگی اجتماعی کمک می کنند. حتی دین مانع جنگ طبقاتی خواهد شد. مناسک و مراسم به عنوان یک ابزار و عامل جامعه پذیری و اجتماعی شدن افراد، همبستگی اجتماعی را بیان و تقویت می کند. وسایلی را برای سازگاری با رویدادها و کشمکشها فراهم می سازد که ساختمانندی و قاعده مندی اجتماعی را به فروریختگی و فروپاشی تهدید و در جهت ابقای صورتهای سازمان اجتماعی عمل می کنند (کیانی، ۱۳۹۸: ۷۹).

### ج- کارکرد معنا سازی

انسان در میان موجودات به گونه ای است که به شدت میل به معناسازی دارد و معنا هم از طریق تولید نشانه ها بوجود می آید. این نشانه های معنا دار می توانند به وسیله ای برای انتقال پیامها و اطلاعات تبدیل شوند که در طول زمان به صورت قرار دادی در میان اجتماع کار ویژه های خود را انجام می دهند. ثبات نظام سیاسی یک حکومت جز با نفوذ هر چه بیشتر که خود از مشتقات مشروعیت می باشد در اذهان و افکار عمومی ممکن نمی شود و در این میان استفاده از آیین ها، نمادها، اسطوره ها و مناسک های دفاع مقدس به عنوان ابزارهایی که در جان و روح جامعه رسوخ کرده و به باورها و اعتقادات دینی وارزشی آن جامعه تبدیل شده است برای گسترش ثبات سیاسی و حفظ وضع موجود یا تغییر وضع موجود به وضع مطلوب و برقراری همبستگی اجتماعی می تواند کمک بسیار بزرگی برای اداره کنندگان نظام باشد (اخترشهری، ۱۳۸۵: ۴۲۷).

### د- کارکردهای سیاسی

مشروعیت بخشی به قدرت یکی از کارکردهای مهم مراسم و آیینها منجمله دفاع مقدس می باشد. اعمال قدرت نیازمند منابع و ابزار است. هر مقدار که منابع و ابزار قوی تر باشد به همان میزان ارزش واقعی قدرت بیشتر می شود. چهره مهم قدرت، ذهنیت پردازی و اقناع سازی است در این رویکرد، زور عریان و خشونت نمود کمتری دارد و توانایی به دست آوردن خواسته ها از طریق مجذوب کردن صورت می گیرد. این کار از



طریق جذابیت‌های فرهنگی و مناسک و مراسم و ایده های سیاسی انجام می شود. اساس قدرت نرم در ارزشها و فرهنگ می باشد (کیانی، ۱۳۹۸: ۷۹-۸۳).

### بحث و یافته های پژوهش

تداخل علایق و منابع فرهنگی اغلب کشورهای همجوار ایران با یکدیگر، در تکوین منابع بالقوه و مستمر مشاجره و تنشهای دو یا چند جانبه، نقش بزرگی ایفا می کند. عراق یکی از کشورهایی است که با استناد به همین منابع، با کمک قدرتهای منطقه ای و حمایت غرب، جنگ تحمیلی را بر علیه مردم ایران آغاز کرد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران به سرعت بر عراق تاثیر گذاشت. صدام حسین، حسن البکر را برکنار کرد و اندکی پس از آن، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به قصد اشغال ایران و نابود کردن انقلاب اسلامی به ایران حمله کرد و جنگی هشت ساله را به ایران تحمیل کرد. به دنبال این جنگ، خسارت های جانی و مالی قابل توجهی به کشور ایران و عراق وارد شد. این کشور در حدود ۵۸ کیلومتر با خلیج فارس ساحل دارد. سه بندر معروف این کشور در خلیج فارس و دهانه اروندرود عبارتند از بصره، ام القصر و فاو (جهان بینی و فرقانی، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۵). عوامل برانگیزنده و جهت دهنده عراق برای آغاز جنگ علیه ایران عبارتند از:

#### ۱- کسب فضای حیاتی برای تشکیل عراق بزرگ و هژمونیک

در دولت بعثی عراق، تمرکز بر روی خطرات و تهدیدات به سمت تاکید بر زور، تلاش برای رساندن عراق به تعالی و پرورش یک شخصیت نظامی اقتدارگرا معطوف شد. همه اینها درکنار هم قرار گرفتند تا یک رهبر با رسالت خودخوانده برای خود به وجود آورند و در سه مرحله زمانی هم این رسالت به شکوفایی و ظهور رسید: جنگ عراق علیه ایران، تهاجم عراق به کویت و جنگ خلیج فارس. صدام حسین از یک طرف از خطر امام خمینی (ره) برای عراق صحبت می کرد و از طرفی نظر و دیدگاه خود درباره عراق را چنین ترسیم می کرد: به نظر ما، ما تصویر بزرگ و با شکوهی از عراق ترسیم کرده ایم. ما می خواهیم عراقی هم وزن و به بزرگی چین و شوروی ایجاد کنیم، می خواهیم به بزرگی و پهناوری آمریکا برسیم. در حقیقت مبنای حقیقی اقدامات ما همین است. صدام حسین رویای عراق بزرگ و قدرتمند را در سر می پروراند. وی تحت تاثیر اندیشه های سامی شوکت بود. شوکت هم به نوبه خود تحت تاثیر دکترین های فاشیستی اروپایی بود. اصلاحات بعثیها به

وفور در زبان و کتابهای شوکت وجود دارد اما بعثیها هرگز این امر را تایید نمی کردند. ما می توانیم برخی از نکات خاصی از اندیشه ها و آموزه های شوکت که حزب بعث و صدام حسین را تحت تاثیر قرار داد اشاره کنیم. یک طریقه آن، روش الهام پذیری از دوره های شکوه مسلمانان و اعراب به خصوص دوران چهار خلیفه اول و هارون الرشید است. نکته دیگر تاکید شوکت و صدام بر قدرت نظامی بود: شوکت می گفت عراق باید یک ارتش ۵۰۰۰۰۰ نفری و صدها هواپیمای جنگی داشته باشد و باید در راس ریاست یک دولت بزرگ و وسیع عربی قرار گیرد. این موارد منجر به تشدید استفاده از زور به عنوان مهم ترین عنصر در تاریخ عراق گردید. زور معادل عدالت بود. او می گفت جوانان باید از سنین اولیه برای بکارگیری زور آموزش ببینند و خود را به سربازان نظم و وظیفه تبدیل کنند. دستیابی به قدرت، ابرهدفی بود که افراد باید خود را فدای آن می کردند و آنرا هنر مرگ می نامیدند. وی می گفت عراق باید همیشه آماده جنگ باشد صدام هم می گفت عدالت بدون زور صرفا یک دیدگاه عبث است. در تقلید آشکار از عبارت شوکت تحت عنوان سنت الموت، صدام حسین از سنت الشباب صحبت می کند و هر دو ترکیبات عجیب کلمات هستند و آنها را ترکیب و تحت عنوان هنر مرگ یا مرگ خلاق یا جوان خلاق ارائه دادند. منشاء دیگر الهام تفکرات صدام و حزب بعث، صلاح الدین صباغ بود. منابع بعثی اغلب به صباغ به عنوان یک اتوریته یا اقتدار یاد می کردند از نوشته هایش نقل می کردند و او را به عنوان یک الگوی نقش بالا می آوردند. صباغ کتاب مهم خود را به قیام Kaylani یا گیلانی اختصاص داد. همین کودتای وی توسط بعثیها در تاریخ عراق پررنگ جلوه داده شده و به مثابه یک پارادیم مقاومت در برابر قدرت خارجی تصویر شده است. صباغ و حزب بعث آیه قرانی " و استطعتو من قوه " را برای ترساندن دشمنان خود و خدا استفاده می کردند. برای دستیابی به قدرت و اعمال زور، صباغ معتقد بود که بسیج سازی باید هم مادی باشد و هم معنوی به عبارت دیگر از مادیات و معنویات باید برای بسیج مردم استفاده کرد و باید عرصه علم و فناوری را هم در بر گیرد. عراق باید صنایع خود را توسعه دهد و نهادها و سازمانهایی را بنا نهاد که در آنها دانشمندان و مخترعان بتوانند زندگی خود را وقف پژوهش و رسیدن به کره ماه کنند (Ofera, 1998, 144-200).

صدام حسین، استعاره کشور به منزله یک موجود زنده را به موازات جبر محیطی، نژادگرایی و توسعه سرزمین مطرح کرد تا حمایت گر سیاستهای خارجی این کشور و مشروعیت بخش توسعه ارضی تجاوزکارانه این رژیم باشد. به باور صدام، دولت یا کشور به

مثابه یک موجود زنده، در جهت بقاء به طور طبیعی باید با همسایگان خود به مبارزه برخیزد. اسرائیل نیز خواهان تداوم و طولانی شدن جنگ عراق و ایران بوده و هست چون نابودی این دو کشور زمینه را برای سلطه اسرائیل و عمق اسراتژیک اسرائیل فراهم می کند و رفتار رهبران اسرائیل و صدام نسبت به همسایگانیشان مثل هم می باشد و آنها اعتقادی به مرزهای ثابت سیاسی ندارند و همیشه از استعاره انداموارگی استفاده می کنند. طبیعی است که در این اندیشه فاشیستی و در این مبارزه، بقاء اصلاح و تنازع بقاء مشروع شناخته شد. از نظر صدام با توجه به این که حزب بعث و همپیمانان دولت صدام دارای صفاتی هستند که بقیه مردم به ویژه ایرانی ها از آنها برخوردار نیستند لذا هیچ مانعی در جهت تصرف منطقه و حاکمیت بر منطقه و هدایت پیشرفت برای بعثی ها وجود ندارد. داعش و بازمانده های بعثی نیز امروزه بر چنین باوری هستند. صدام، بعثیها و امروزه داعشی ها همانند هیتلر و سایر ملی گرایان افراطی جهان معتقدند که توسعه گرایی کشورها به ویژه تجاوز نظامی عراق به ایران از قانون طبیعی تبعیت می کند. بوم شناسی سیاسی جبرگرای صدام، هیتلر، بوش و سایر رهبران قدرت طلب آمریکا و اروپا و اسرائیل به نژاد برتر، نژاد فروتر، عامل رقابت و مبارزه دائمی در جامعه به منزله یک نظام اخلاقی مشروعیت بخشیدند و برای توجیه اشغال سرزمین های دیگران از این پارادایم کاذب استفاده کردند. طبق استعاره انداموارگی، هر ناحیه و کشوری در جهت تامین منابع حیاتی مردمش به فضای حیاتی کافی احتیاج دارد و لازم است به هر قیمتی که تمام شود آن را بدست آورد. در شکل گیری این تفکر شیطانی در دولت بعث، فرایند تاکاملی داروین فوق العاده مهم بوده است و جنبشهای تند ملی گرایی منجمله نازیسم، ملی گرایی عرب حزب بعث نمونه آن است. صدام حسین به بهانه تنگناهای سرزمینی و ضرورت ژئوپلیتیکی برای دسترسی به فضای حیاتی به خاک ایران و کویت لشکرکشی نظامی کرد و محرک دولت بعث در این جنگ هم استعاره انداموارگی و ملی گرایی افراطی بود. تفاوت عمده جهان بینی سلطه گرای صدام و جهان بینی جمهوری اسلامی ایران را می توان اینگونه ترسیم نمود

مکتب	انسان شناسی	سیاست شناسی	نظریه دولت	روابط بین الملل	منطق علی	پیامد
بعثی	بدبینانه	قدر	دول	جنگ محور	قدرت طلبی و	قوم گرایی، جنگ

سم و واقع‌گرایی	ت محور	ت محور	ت محور	ت محور	ت محور	
مکتب انقلاب اسلامی	ماهیت ترکیبی انسان (فطرت + غریزه)	شرع محور	خدا محور	صلح و جنگ با تاکید بر اصالت صلح	تسرس و کشورگشایی	
				تقدم فطرت بر غریزه، صلح دائمی را در پی دارد و تقدم غریزه بر فطرت، جنگ دائم را به همراه دارد و تعادل هر دو، صلح را به ارمغان می‌آورد	طلبی، سلطه بر انسان و طبیعت، شیوه زندگی رقابتی، نژاد برتر و نژاد فروتر	
					حسن همجواری و همزیستی مسالمت آمیز و برابری انسانها، شیوه زندگی تعاونی، مشارکت جمعی، مردم سالاری دینی، مشارکت سیاسی، تکنولوژی مناسب، هیچ فردی نجات نمی‌یابد مگر اینکه همه ما نجات بیابیم. در اینجا فرد، تنها من و شما نیست، بلکه فرد شامل همه انسانها، همه اکوسیستم ها، همه رودها و همه جنگلها می‌باشد. معیار برتری هم تقوا و اصالت دینی و مفید بودن است و مبارزه با سلطه را اساس هر گونه مطالعه و اقدام می‌داند (شکویی، ۱۳۹۳: ۲۳).	

طه یاسین رمضان، معاون اول نخست وزیر و فرمانده ارتش خلقی عراق در نخستین ماههای جنگ اظهار داشت: ما بر این نکته تاکید می‌کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران به کلی منهدم شود. از نظر حزب بعث، همزیستی با یک دولت لائیک و غیر مذهبی راحت تر از نظام اسلامی ایران بود. صدام و حزب بعث برای اعمال قدرت خود بر جهان عرب و گسترش امپراتوری حزب بعث شعار امه عربیه واحده، ذات رساله خالدیه را انتخاب کردند. صدام در ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰، خطاب به اعراب گفت:

ما باید شمشیرهای خالد و سعد بن ابی وقاص را برای مبارزه با این گروه ستمگر و آموختن درسهای تاریخی جدید به آنها(ایرانی ها) همانند نبرد باشکوه قادسیه از نیام درآوریم نبرد باشکوه قادسیه، تکبر و خودخواهی خسرو را نابود کرد، ارتش دلیر ما در زین القوس و سیف السعد همین کار را انجام داد( کریمی پور، ۱۳۷۹: ۴۴-۴۵).

## ۲-خویشتن و دیگری در اندیشه صدام(دشمن دور و نزدیک)

به زعم صدام و بعثی ها، ضلع سوم از مثلث سیاسی دشمنان عراق، ایران بود. صهیونیسم و آمریکا ابرهایی بودند که از آسمان سیاسی عراق دور بودند اما ایران در دیدگاه بعثی ها نزدیکترین دشمنی بود که همیشه آماده ی حمله به عراق است. این ادراک از ایران به دلیل خاطرات تاریخی و وقایع اخیر بود که بعضی از آنها پس از آنکه بعثی ها به قدرت رسیدند به وقوع پیوست. در دیدگاه بعثی ها، ایران در سال ۱۹۶۹ به طور یک جانبه موافقت نامه ی شط العرب را که در سال ۱۹۳۷ بین طرفین به تصویب رسیده بود را لغو کرد ( این موافقت نامه حاکمیت عراق را بر این آبراه تأیید می کرد ) و در سال ۱۹۷۱ سه جزیره ی کوچکی را که در دهانه ی خلیج فارس قرار دارد، غصب کرده است و با تشویق آمریکا خود را ژاندارم منطقه ساخته و از کردها برای مبارزه علیه حکومت مرکزی عراق حمایت مستقیم و غیر مستقیم به عمل می آورد و بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، امام خمینی (ره) تأکید کرده که انقلاب اسلامی را به عراق صادر می کند (Ofera , 1998: 20).

در ادراک عراقی ها تمام این مراحل باعث به خطر افتادن عراق یا محاصره عراق می شود و همچنین قبل از آن عراقی ها به دنبال تقویت قدرت هژمونی خود در خاورمیانه بودند. به همین دلیل ، جنگ تبلیغاتی را علیه ایران برای حذف و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران به راه انداختند. در اوج جنگ علیه ایران روزنامه ی داخلی حزب بعث اظهار کرد که « دولت معاصر ایران یک دولت ساختگی است که مبتنی بر نیروی زور و ظلم و ستم بر مردم می باشد. « حزب بعث برای تحریک مخفیانه ی اقوام ایرانی برای شورش علیه حکومت مرکزی جمهوری اسلامی ایران و همچنین برای تقویت احساسات تهاجمی اقوام عراقی برای حمله به ایران ادعاهای جالبی را مطرح کرد. یکی از این ادعاها مربوط به انتخاب نام ایران برای سرزمین محدود فارس می باشد. بنابر این ادعا « سرزمین فارس، سرزمین های همسایه را به زور اشغال کرده و از آنجا که فارس ها هیچ مجوزی برای

نماینده‌گی اقلیت‌های غیر فارس همچون کردها، اعراب، آذری‌ها، بلوچ‌ها نداشتند، نام کشور خود را از فارس به ایران تغییر داده تا بتواند نوعی پنهان‌کاری در این زمینه کرده باشد» و همچنین رژیم بعثی بر تفاوت‌های زبانی و نژادی ایرانیان و اعراب تأکید می‌کرد تا سابقه‌ی مبارزه‌ی اعراب و ایرانیان را دارای یک پیشینه‌ی تاریخی بلند مدت و تقریباً دائمی بشناساند به همین دلیل خاطرات پیروزی مسلمانان عرب در قرن هفتم بر ساسانیان که آخرین امپراتوری پیش از اسلام بودند را دوباره در اذهان عراقی‌ها و اعراب زنده کرده و در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، صدام و بعثی‌ها، خطر ایران را همچون خطر تهاجم مغول در سال ۱۲۸۵ (آسیب‌زا ترین رویداد در تاریخ عراق تا آن زمان، که طی آن بغداد توسط مغولان تسخیر شده و خلافت عباسی فروپاشید) تحلیل می‌کردند تا به انگیزه‌ی توده‌های عراقی در طول جنگ بیفزایند و به تهاجم خود علیه ایران مشروعیت بخشند و افکار عمومی همه‌ی اعراب را با خود همراه سازند. روزنامه‌ی جمهوری‌یه نوشت: پارسها در طول تاریخ به اعراب خنجرهای فراوانی زده‌اند و هر جا که فرصت وجود داشته به اعراب حمله کرده و با عثمانی‌ها جنگیده‌اند تا بر سرزمین‌های عربی تسلط داشته باشند و روابطشان را با انگلستان دوستانه کردند تا عرب‌ها را تضعیف کنند و بعد با آمریکاها همکاری کردند تا عرب‌ها را به عقب برانند. صدام حسین طی یک سخنرانی در سال ۱۹۸۲ بعد از خروج نیروهای عراقی از خاک ایران به اهداف تهاجمی ایران هشدار داده و اظهار کرد: «مردم عراق نگهبانان دروازه‌ی شرقی جهان عرب هستند که باید در برابر طوفان زرد (انقلاب اسلامی ایران) ایستادگی کنند همانطور که پدران ما با تهاجم فرانسوی‌ها و بریتانیا سال‌ها مقابله کردند، ما هم باید در مقابل طوفان انقلاب ایران ایستادگی کنیم در غیر این صورت، این طوفان تمام حوزه‌های شرق را نابود می‌کند» (ofera.1998:72).

یکی از سران بعث (تفلیح) می‌نویسد بسیاری از مردم می‌گویند ابتدا باید مسئله فلسطین را حل کنیم این درست است اما من می‌گویم ایران یک خنجر فر رو رفته در قلب اعراب است و از این رو باید محو شود تا اینکه اعراب دوباره سلامت خود را بدست آورند و قدرت خود را احیا کنند و تنها در آن صورت است که می‌توانند با دشمنان خارجی مقابله کنند. همانگونه که یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید کسی که با ما زندگی می‌کند یا در کنار ما زندگی می‌کند بدترین دزد است. سعدون حمدی می‌گوید اگر عراق جنگ نمی‌کرد ایران به عراق حمله می‌کرد چون ایران به خلیج فارس به عنوان

فضای حیاتی خود نگاه می کند لذا داشت برای حمله به تمام کشورهای ساحلی برنامه ریزی می کرد برای دفاع از خاک کشورمان در برابر ایران حمله کردیم و دفاع عراق از خاک خود در برابر ایران به معنی دفاع از تمام اعراب در حقیقت همه مسلمانان است (Mustaqbal, 1982:181-189). صدام حسین و رسانه ای دولت ایشان بارها تکرار می کردند که خداوند اعراب را برگزیده است و هیچ کس دیگری پیامبر خدا نمی تواند باشد و وظیفه گسترش مذهب هم بر عهده اعراب است فقط اعراب. بعثیها و صدام معتقد بودند قرآن کریم به زبان عربی بر آنها نازل شد و یکی از آیات قرآن کریم صریحا می گوید ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم. تنها اعراب، مسلمانان حقیقی و مخلص هستند و تنها آنها کاملا قرآن را درک می کنند و چگونگی احیای مفاهیم را تنها اعراب بلدند. صدام و بعثی ها می گفتند امام خمینی (ره) کاملا آگاه و متبحر در زبان عربی نیست و نمی تواند یک مسلمان خوب باشد. (صدام و بعثیها فراموش کرده اند چطور مریم و مسعود رجوی و جاسوسان و حامیانش، مسلمان خوب هستند و با آنها همکاری می کنند و حتی به رغم اینکه ادعای مبارزه با امپریالیسم داشت اما از آمریکا و غرب برای نابودی ایران کمک می گرفت ولی اگر کسی مخالف صدام و حزب بعث اقدامی انجام می داد متهم به ارتداد و کفر می شد. صدام تنها انقلاب بعثیها را اصیل و اسلامی می دانست و انقلاب مردم ایران را غیر اسلامی می نامید و می گفت بر اساس خصومت نسبت به اعراب بنا شده است. وی می گفت دشمن اعراب نمی تواند خود را یک مسلمان واقعی بنامد به زعم صدام هرکسی نسبت به اعراب نفرت داشت نمی تواند مسلمان باشد چون اعراب پیش قراولان و جلودار اسلام بودند آنها صاحب مذاهب الهی اند (ofera, 1998:144).

## کارکردهای سیاسی و اجتماعی دفاع مقدس

### ۱-۱. تقویت فرهنگ سیاسی مقاومت و پایداری

فرهنگ سیاسی مجموعه ای از باورها، بینشها و رفتارهای یک ملت است که نسبت به امور سیاسی نظیر جنگ و صلح، حکومت، قدرت، رابطه ملت و حکومت، روابط خارجی و نظایر آنها پدیدار می شود (حافظ نیا، ۲۳۲:۱۳۸۱).

امام خمینی (ره) در تبیین فرهنگ پایداری و مقاومت در برابر استبداد و استعمار قدرتهای غربی و شرقی می فرماید: امروز خداوند ما را مسئول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود، سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حرکت انقلاب را پابرجا

داشت. من باز می گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان به خیال خام خودشان بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور. و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند (امام خمینی(ره)، ۱۳۶، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۳۲). از آنجا که فرهنگ استقامت و پایداری هم در قرآن کریم و هم در روایات و سیره ائمه دیده می شود باید آنرا از عناصر سیاسی قدرت نرم در گفتمان اسلامی به شمار آورد. فرهنگ مقاومت و پایداری زمانی شکل می گیرد که کشورها در معرض تهاجم خارجی قرار داشته باشند. زمانی که تهدیدهای متراکم فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به وجود آمد جامعه ایرانی در وضعیت واکنش نسبت به شرایط تهدید قرار گرفت و مقاومت و پایداری کرد(شریفیان و فراهانی، ۱۳۹۳: ۵۴).

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، فصل جدیدی در ادبیات تحت عنوان «ادبیات حماسی» و «ادبیات مقاومت» گشوده شد و نویسندگان با اقتباس از آیات قرآن مجید و احادیث معصومین «ع» در قالب انواع داستان ها، شعرها، نمایش نامه ها، سروده ها، ترانه ها و تصنیف ها در به تصویر کشیدن صحنه های حماسه و مقاومت و حس وطن پرستی در دفاع از تمامیت ارضی ایران نقش بسزایی ایفا کردند. بیان و انعکاس موضوعات و مسائل مرتبط با دفاع مقدس و پیامدهای آن نظیر شجاعت و دلیری رزمندگان اسلام، تخریب شهرها توسط دشمن، فرهنگ شهادت طلبی، آزادگان و اسرای جنگ و سایر موضوعات دیگر سبب شد ادبیات دفاع مقدس به وجود آید. اشعار و ادبیات دفاع مقدس به مقاومت در برابر دشمن، پایداری، شهادت، تحقیر دشمن، تشویق رزمندگان و شعرهای سوزناک درباره شهدا همراه با بیان فرهنگ عاشورا می باشد. ترکیب روح قهرمانی و ویژگی های اساطیری، ستایش و تکریم شهدا و یادبود و گرامیداشت شهدا و بیان عشق و علاقه نسبت به شهدا و فرهنگ شهدا، احترام به فرهنگ عاشورا، عشق به امام حسین، مقایسه رویدادهای کربلا و حوادث و رویدادهای دفاع مقدس، استفاده از موضوعات عرفانی، میهن دوستی و عشق به وطن، شکر گذاری برای پیروزی در جنگ تحمیلی، ستایش امام در شعر جنگ، بیان عملکرد و رفتارهای قهرمانی و شجاعت مجروحان و اسرای جنگی و بیان فرهنگ صبر و مقاومت و انتظار از جمله محورها و موضوعاتی است که در شعر دفاع مقدس توسط شاعران در سرتاسر کشور مورد توجه قرار گرفته اند (Shahnavazi and samsam, 2014,3-6).



تردیدی نیست که حسّ وطن‌دوستی و اعتقاد به پیشینه تاریخی مشترک و آداب و رسوم و سرزمین واحد در این میان نقشی غیرقابل انکار داشته و موجبات شکل‌گیری هویت ملی بوده‌اند، اما مطالعه در تاریخ پرفراز و نشیب این کشور نشان می‌دهد که، عوامل فوق همواره نقشی حداقلی داشته و مردم ایران در شکست‌ها و پیروزی‌ها چندان به این مبانی هویت ملی متوسل نشده‌اند. در حالی که اسلام و تعالیم آسمانی آن در طول تاریخ همواره اقوام تُرک، کُرد، بلوچ، آذری، عرب، گیلانی و لرستانی را با وجود تفاوت‌های فراوان قومی و نژادی و فرهنگی و سیاسی که از گذشته تاکنون با یکدیگر داشته‌اند، به مثابه مبنایی قابل اطمینان و ریسمانی محکم به یکدیگر پیوند زده و هویتی ایرانی - اسلامی را پدید آورده است. شکی نیست که در هر نهضت ضد استبدادی و ضد استعماری، نه در ایران که در همه کشورهای عالم وقتی پای دین و آموزه‌های دینی به میان کشیده شده، آنچنان همبستگی و وحدتی میان مردم پدید آورده است که نظیری برای آن نمی‌توان سراغ گرفت. دفاع مقدس یکی از این صحنه‌هایی بود که توانست همبستگی و وحدت و پایداری مردم ایران در برابر تهاجم خارجی و مقابله با نظام سلطه را به نمایش بگذارد. مسلماً قدرت اقتصادی و نظامی مردم ایران و رزمندگان مسلمان هنگامی که به مقابله با نظامیان عراقی و امریکایی در منطقه رفتند، هرگز قابل مقایسه با توان دولت عراق و آمریکا نبود. انبوه نیروها و امکانات عراق با تجربیات طولانی جنگی و برخورداری از آخرین پیشرفته‌ترین تسلیحات جنگی، جنگی نابرابر علیه مردم مسلمان ایران و انقلاب اسلامی به وجود آورد اما با این وجود، سلسله جنگ‌های میان عراق و ایران که به پیروزی ایران منجر گردید، بطور آشکار قدرت و برتری منابع فرهنگی و معنوی قدرت را در مقایسه با منابع مادی قدرت به اثبات می‌رساند (واثق، ۱۳۸۶: ۷۱۲-۷۱۴). انقلاب اسلامی در ایران و دفاع مقدس، هر دو بر پایه منابع فرهنگی و انسانی قدرت و بسیج نیروهای اجتماعی شکل گرفتند و توانستند بر نظام‌ها و قدرتهای تا بُن دندان مسلح غلبه نمایند و پویایی و بالندگی آن موجب شده است مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و موجب دگرگونی‌های عمیق سیاسی و اجتماعی در مناسبات بین‌المللی و خلق ژئوپلیتیک جدید در جهان اسلام و به ویژه خاورمیانه شود.

### 1-2- حفظ استقلال و تمامیت ارضی

در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰، صدام به ارتش خود دستور دارد تا به ایران حمله کند و انتظار یک پیروزی سریع و آسان را داشت تا از این طریق به قدرت ارشد خلیج فارس و

جهان عرب تبدیل شود و با جبران شکست اعراب در برابر اسرائیل، اعتبار و پرستیژ خود را تقویت کند اما محاسبات وی اشتباه از آب درآمد و با یک جنگ خونین هشت ساله مواجه شد که برای هر دو کشور بسیار هزینه بر و خسارت بار بود. هیچ کدام از دلایل اقامه شده ی بعثی ها نمی تواند توجیهی برای اقدام عراق در شروع جنگ باشد. هیچ یک از دعاوی عراق به تنهایی آنقدر مهم نبود که با حسن نیت دوطرف از طریق مذاکره دو کشور همسایه قابل حل و فصل نباشد. نام قادسیه را که صدام برای این جنگ انتخاب کرد بهترین قرینه برای یافتن « علت جنگ » است. در آغاز جنگ در محافل بعثی همه جا سخن از قادسیه صدام بود. رژیم عراق سرشار از اعتماد به نفس بود و نسبت به دستاوردهای خود احساس افتخار خاصی داشت؛ تا بن دندان مسلح شده بود و خود را قادر می دید که از دستاوردهای تاریخی و آرمان های وحدت عربی و بعثی پاسداری کند. زمان آن رسیده بود که بعثی ها در خارج از کشور خود دست به اقدامی بزنند که تصمیم آن را قبلاً گرفته بود و به جهانیان ظهور گسترده ی بعث عراق و تأثیر و نفوذ فزاینده اش را بر حوادث منطقه ای و عربی نشان بدهند. انگیزه ی بعثی ها قبل از هر چیز انگیزه ای سیاسی بود و از باورهای عمیقاً ایدئولوژیکی آنان سرچشمه می گرفت. آنها برای متعهد ساختن خود به این باورها و آرمان ها دلایل زیادی را اقامه کرده بودند البته منافع اقتصادی، مادی و استراتژیکی این کشورگشایی هم کم نبود (مثلاً استان نفت خیز خوزستان، سرزمین های تازه، دسترسی بهتر به خلیج فارس در سال ۱۹۸۰ تمامی رفاه و برکت و فراوانی به رهبری صدام حسین نسبت داده می شد همه مدیون رهبری او بودند، او معیار شناخته شده ی تمامی حرکت های عراق در آغاز و خلال جنگ بود. این مسأله آنقدر برای کارشناسان بدیهی است که هیچ کس منکر آن نتواند بود. در مورد جنگ تمام عیار، حرف آخر را صدام زده بود. صدام حسین نوع بسیار ویژه ای از قدرت را اعمال می نمود (Al-Jumhuriyya, 6 December 1987).

انگیزه های ملی در کنار انگیزه های دینی یا اسلامی یکی از عوامل اصلی بسیج و همراهی و مشارکت مردم در دفاع از کشور در جنگ تحمیلی بود. انگیزه های ملی مانند حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، حفظ منابع طبیعی و اصالت های فرهنگی بومی کشور از دیگر عامل حضور و مشارکت مردم در دفاع مقدس بود. در جنگ تحمیلی نیز پایداری بیشتر شکل بسیج سیاسی، مقاومت مردمی و شهادت طلبی برای دفاع از اسلام و سرزمین در برابر تهاجم خارجی به خود گرفت و تمامیت ارضی کشور را تضمین کرد. بعد از انقلاب

اسلامی و به ویژه در دوران دفاع مقدس باز هم ارزشهای انقلاب از طریق مناسک و آیینها بود که در جامعه ریشه دواند و نقش مهمی در حفظ رویه انقلابی و مقاومت در برابر دشمن در جنگ تحمیلی را داشت. تهاجم عراق به ایران منجر به قربانی شدن شهروندان بی دفاع و تخریب شهرهای بسیاری در ایران شد. جنگ شهرها علیه ایران و مردم غیرنظامی توسط نیروهای عراقی لحظات غمگین کننده و نقض آشکار حقوق انسانی مردم ایران توسط رژیم بعث را نشان داد. به رغم وجود مقررات صریح بین المللی، نیروهای عراقی تخریب شهرها را آغاز نمودند. حتی دولت عراق وقتی احساس کرد که رزمندگان ایرانی در شرف برتری بر نیروهای عراقی هستند آنها به استفاده از سلاح های شیمیایی بر علیه غیرنظامیان در شهرهای ایران متوسل شدند. (Siami, 2010, 21).

به عبارت دیگر، در طول جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس، هویت ملی ایرانیان بسیار کاملتر و تثبیت یافته تر شد و ثبات بیشتری یافت. این ویژگی ها دلیل اصلی خلق بسیاری از رویدادهای خاطره انگیز و به یادماندنی در طول جنگ تحمیلی بود. میهن دوستی و حفظ سرزمین تحت تاثیر و نفوذ مقاومت مردم بر علیه دشمن متجاوز قرار گرفت. در سال ۱۹۸۳، مردم سرتاسر ایران آزادسازی خرمشهر را جشن گرفتند و احساس و شغف خود را درباره استقلال سرزمینی و مذهبی خود نشان دادند. آنچه که جمهوری اسلامی را کمک کرد تا استقلال مادی و معنوی و یکپارچگی سرزمینی خود را در طول جنگ تحمیلی حفظ کند دفاع از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران در برابر دشمنان داخلی و خارجی و اپوزیسیون بود. شرایط سیاسی ایران قبل از جنگ چندان مناسب و باثبات نبود برای مثال، کشور دچار جنگ داخلی شدید در کردستان و خوزستان و ترکمن صحرا بود. اما مهمتر از همه نقش رهبری مذهبی برای دستیابی به تقویت عناصر ملی هویت ایرانی اسلامی نباید فراموش شود. امام خمینی (ره) با معرفی جنگ ایران و عراق به جنگ اسلام و کفر، تعبیر دفاع مقدس از دفاع ایران در مقابل دشمن، معرفی صدام به مهره و عامل شیاطین، مقایسه شهدای جنگ تحمیلی با شهدای کربلا، انتصاب فتح خرمشهر به عوامل ماورای طبیعی که از یک سو برای عموم مردم قابل درک و فهم بود و از سوی دیگر عرق مذهبی و دینی و ملی آنها را نشانه می رفت و نقش تاریخی را در هدایت انقلاب و سرنوشت جنگ و مصونیت سازی جامعه در برابر تهدیدات داخلی و خارجی ایفا نمودند. دفاع مقدس راه را برای تشکیل و تقویت عناصر ملی هویت و ملی گرایی مثبت از طریق ایجاد یکپارچگی بین ایرانی ها فراهم کرد و نقش مهمی در تامین استقلال همه

جانبه ایران ایفا نمود (Ebrahimi, 2012, 6-9). به نظر می‌رسد عراق در حمله به ایران دو هدف حداکثر و حداقل ارضی و مرزی داشت، هدف حداکثر آن الحاق جلگه خوزستان به ویژه قلمرو عرب نشین آن به عراق و هدف حداقلش فسخ قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزیره بود. دولتهای عراق از زمان عبدالکریم قاسم تا زمان داعش، چهار ادعای بزرگ بر علیه ایران و همسایگان خود مطرح کردند: رهبری جهان عرب، رهبری کشورهای خلیج فارس، سرنگونی جمهوری اسلامی و تجزیه خوزستان از جمله این ادعاها می‌باشد. پیوندهای عمیق مذهبی اعراب خوزستان سبب شد تا اعراب خوزستان در جنگ تحمیلی در مقابل صدام ایستادگی کنند و با عراق همراهی نکردند.

### ۳.۱. تقویت وحدت و امنیت ملی

دفاع مقدس مخزن ایده‌های فرهنگی و تولید معنا می‌باشد. همبستگی و وحدتی که در پرتو اعتقادات دینی پدید می‌آید، آنچنان عمیق و مستحکم است که، هرگز نمی‌توان چنین وحدتی را از طریق صرف هزینه‌های هنگفت و از راه تبلیغات پرحجم یا اعطای امتیازات مادی و جاذبه‌های دنیوی و سرانجام از طریق قهر و غلبه، پدید آورد. قرآن کریم در همین رابطه خطاب به پیامبر می‌فرماید: «وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا، مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ أَنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ». (و خدا دل‌های مومنان را به یکدیگر آلفت داد، که اگر تو با تمام ثروت روی زمین می‌خواستی آلفت بدهی نمی‌توانستی. اما خدا دل‌های آنان را به هم نزدیک ساخت. او بر هر کاری توانا و حکیم است.) (سوره انفال، آیه ۶۳). وحدت و همبستگی دینی بسیار فراتر و عمیق‌تر از توافق و اشتراکات ملی و میهنی و علائق مربوط به آب و خاک است. زیرا هم از صبغه‌ای معنوی و مقدس برخوردار است و هم این پیوند به منزله برادری و قرابت خویشاوندی و حتی عمیق‌تر و قوی‌تر از آن است. قرآن کریم رابطه میان مومنان را صرفاً در حد رابطه‌ای ساده و قابل قیاس با واژگانی چون «هموطن»، «همشهری» و نظایر آن نمی‌داند و معتقد است، «أَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (همانا مومنان همه برادر یکدیگرند...). (سوره حجرات، آیه ۱۰). ادبیات یکی از مهم‌ترین ظرف‌های تبلور عناصر فرهنگی است که به دلیل هنر، زیبایی و بعد لذت‌آفرینی که دارد، به راحتی پذیرفته شده و هویت‌سازی می‌کند. مهم‌ترین تاثیر عاشورا و دفاع مقدس بر ادبیات و هنر عبارتند از اشعار آیینی، ادبیات حماسی و تعزیه است. بسیاری از گزاره‌های مورد استفاده در ادبیات عامه و حتی برخی ضرب

المثلها از مفاهیم مرتبط با عاشورا و دفاع مقدس استخراج شده است. یکایک شخصیت‌های عاشورا و نیز شهدای جنگ تحمیلی برای ایرانیان جایگاه اسطوره‌ای و نمادین یافته‌اند که این امر تأثیرات عمیقی بر هویت و شخصیت ایرانیان داشته است (ملاحسینی و عرب بافرانی، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۱۲۰). در طول تاریخ بسیاری از زبانها در اثر جنگ‌ها و منازعات یا از بین رفته و یا با کاهش حوزه نفوذ جغرافیایی مواجه شده‌اند اما زبان فارسی تا به امروز توانسته به حیات خود ادامه دهد و در دفاع مقدس نیز شاهد تقویت ادبیات و اشعار آیینی و حماسی هستیم. بنیادهای هویت ملی، مذهبی و زبانی مردم ایران به اندازه‌ای قوی و گسترده است که از بین بردن آن به وسیله نیروهای نظامی و فرهنگی فراملی بسیار نامحتمل است. فرهنگ مذهبی و ملی و نیز ادبی ایران به عنوان مهمترین منبع تولید هویت و تمایز به حیات خود ادامه خواهد داد. فرهنگهای ملی و محلی همچنان مقاوم و پایدارند و نقش دفاع مقدس و نهادهای حکومتی در حفظ هویت ملی پررنگ و تاثیرگذار است. وحدت زبانی در میان رزمندگان ایران اسلامی موجب رشد ارتباط میان آنان و در نتیجه تولید مفاهیم مشترک شد این خود در تقویت همبستگی و همدلی آنها تاثیر داشت. مردم سرتاسر ایران به رغم لهجه‌ها و گویشهای مختلف حول زبان مشترک، برای مقابله با دشمن مشترک متحد شدند و حماسه‌های بیادماندنی خلق کردند. بدون وجود زبان مشترک، هیچ جمعی از انسانها تشکیل نخواهد شد. در میان مردم ایران از دیرباز تا امروز و بویژه در جنگ تحمیلی، زبان فارسی چنین نقشی را ایفا کرده است. این زبان، نه تنها به عنوان محور فرهنگ و تمدن ایرانی، بلکه به عنوان عامل وحدت بخش مردم ایران، در طی قرنهای متمادی و دفاع مقدس نقش آفرینی کرد (لشگری تفرشی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۵۹-۱۶۱)

همان گونه که ادبیات جنگ بر کلیت ادبیات موثر بوده است، امروزه تعامل میان خاطره نویسی دفاع مقدس و خاطره نویسی آزاد می‌تواند موجب افزایش غنای ژانر خاطره نویسی آزاد شود. وی به اسنادنگاری جنگ اشاره‌ای کرد و گفت: در این حوزه نیز اتفاقات خاصی رقم خورده است و اسنادنگاری دفاع مقدس توانسته بر اسنادنگاری محض تاثیری مثبت داشت باشد. وی افزود: طبقه بندی و بررسی آثار مکتوب حوزه دفاع مقدس نشان می‌دهد که این آثار علاوه بر ارزشی که در درون خود دارند، همواره در حال تعامل با ضلع مشابه خود در بیرون بوده و بر غنای آن افزوده‌اند (صالحی، ۱۳۹۴: ۱-۳).

برخی از این نویسندگان در متن آثار خود از ایثار و دفاع رزمنده‌ها، سربازان و مردم

پرداختند. تجربه نشان داده است که این حوادث و اتفاقات هستند که مسیر و اولویت بندی موضوعی ادبیات داستانی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را مشخص کرده است (بنیاد اندیشه اسلامی ۱۳۹۱). یکی از اولویتهای بعثیسم، سرکوب هویت شیعی و نمادهایی همچون مراسم سوگواری ماه محرم بود. بدین ترتیب، محروم شدن شیعیان از امتیازات سیاسی و اقتصادی و هویتی، آنان را در عمل، به شهروندان درجه دو و فرودست عراق تبدیل کرده بود. همچنین مناقشات مرزی ایران و عراق و سپس وقوع انقلاب اسلامی ایران، جنگ هشت ساله بین دو کشور و فعال شدن گروه های شیعی عراق هم دلایل تشدید روند فوق را فراهم آورده بود. همزمان و در واکنش به سرکوبها، از اوایل دهه ۱۹۶۰ م، مخالفت گروههای شیعی با حکومت عراق آغاز شد. امری که چالشهای هویتی - امنیتی جدیدی را به روی حاکمان سنی بغداد گشود. بنابراین، شیعیان پس از سالها بی تفاوتی به سیاست و قدرت، مولد گرایش های فکری جدیدی شدند که در صدر اهدافشان، مبارزه با دیکتاتوری سکولار بعثیها و دفاع از حقوق جامعه شیعی بود (Dobbins, 2003:96).

#### ۱-۴- تقویت هویت ایرانی - اسلامی

یکی از پیامدهای دفاع مقدس این بود که ایران را از بحران هویت عبور داده و هویت اسلامی-ایرانی یا هویت دینی ملت ایران را تثبیت نمود. علی الاصول، خود انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب گفتمانی است که طی آن، بسیاری از معانی گفتمانی خلق شده اند. دفاع مقدس باعث شد تا معانی گفتمانی اسلامی به خوبی مطرح شده و در سطح ملی به شکل مؤثری دیده شوند. شهادت، ایثار، جانبازی و خود دفاع مقدس، مقاومت و غیره، همه و همه معانی گفتمانی هویت سازی بودند که در طی این دوره، در سطح ملی تقویت شدند و هنوز آثار مثبت آنها در جامعه وجود دارد. این در حالی است که این معانی، در سطح منطقه ای و جهانی، به ویژه در دنیای اسلام نیز قابل مشاهده شد و به معانی گفتمانی مقاومت در جنبش هایی مانند حزب الله لبنان تبدیل شده است. امروز حزب الله لبنان به همین معانی گفتمانی شناخته می شود و مقاومت اسلامی در مقابل صهیونیست ها، رمز پیروزی های گوناگون آن است. از مرزهای شرقی جهان اسلام تا مرزهای غربی آن، زبان هویتی مقاومت، با همه ی مؤلفه های آن مشهود است. شخصیت فرهیخته و دینی حضرت امام، به دفاع ایران در مقابل متجاوزان بعثی قداست بخشید و روحیه ی معنوی رزمندگان را به شدت بالا برد. در واقع، عبور از موانع جنگ هشت ساله، بدون این قدرت معنوی نهفته

در رهبری، امکان ناپذیر بود و هرگز میسر نمی شد (سپتمبر، ۱۳۹۳: ۱-۳).

### نسبت هویت های ملی و دینی ایرانی در رویدادهای مهم سیاسی اجتماعی

#### معاصر

رویداد	دشمن مشترک	انگیزه های مذهبی	انگیزه های ملی	رهبری نیروهای مذهبی ملی	نقش نیروهای ملی	تعامل و رابطه میان نیروها و انگیزه های دینی و ملی
جنگ های ایران و روس	دشمن خارجی	قوی	قوی	فتاوی مراجع	قوی	نسبتاً خوب
نهضت تنباکو	استعمار خارجی	بسیار قوی	قوی	به رهبری مراجع	نسبتاً قوی	خوب
نهضت مشروطه	استعمار داخلی	بسیار قوی	قوی	به رهبری مراجع	نسبتاً قوی	بسیار خوب
نهضت ملی کردن صنعت نفت	استعمار خارجی	قوی	قوی	رهبری روحانیت	رهبری ملی	نسبتاً خوب
انقلاب اسلامی ۱۳۵۷	استبداد داخلی استعمار خارجی	بسیار قوی	قوی	رهبری امام(ره) و روحانیت	متوسط	بسیار خوب
دفاع مقدس	دشمن متجاوز	بسیار قوی	قوی	رهبری امام(ره) و روحانیت	متوسط	خوب

(روحانی، ۱۳۸۸: ۴).

به طور کلی جهان بینی متفاوت و اهداف سیاسی و اقتصادی بلند پروازانه صدام نتوانست در سرزمین ایران مستقر بماند و پیاده شود و دفاع مقدس با تقویت روحیه دینداری در رزمندگان اسلام باعث دفع تهاجم، حفظ استقلال و تمامیت ارضی و هویت

دینی و ملی کشور گردید.

### نتیجه گیری

در مجموع دولت های عراق تا زمان روی کار آمدن آقای نوری المالکی در عراق با مطرح کردن چهار ادعای بزرگ، خود را در معرض بدبینی فزاینده ایران و برخی همسایگان قرار داده اند: رهبری خلیج فارس، رهبری جهان عرب، سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و تجزیه خوزستان از جمله این ادعاهای عراق بوده است. این عوامل باعث شروع جنگ شد و باعث آسیب پذیری بیش از پیش روابط دو جانبه شد. پس امنیت و قدرت ملی از یک سو تحت تاثیر منابع معدد کشمکش دو چند جانبه با کشورهای همسایه است و از بعد دیگر محیط راهبردی ایران از جمله امنیت ملی آن در معرض حوزه های متعدد ژئوپلیتیک پیرامونی است. جنگها کارکردهای مختلف می توانند داشته باشند. بسته به ماهیت و اهداف آن می توانند سبب همبستگی، وحدت و انسجام در جامعه شوند یا ممکن است سبب واگرایی و فروپاشی جامعه شوند. دفاع مقدس نیز، به مثابه یکی از ابزارهای قدرت نرم نقش مهمی در تولید قدرت دارند و نظام سیاسی می تواند از دفاع مقدس، به عنوان ابزار کارآمد و موثر برای بازتولید قدرت، تقویت همبستگی ملی و وحدت و امنیت ملی جامعه بهره گیری نماید. آنچه در اوایل کار مسلمانان و نیز در دفاع مقدس مردم ایران بر علیه عراق و آمریکا در طی هشت سال جنگ تحمیلی و تا به امروز، موجب غلبه و برتری ایشان بر قدرتهای بزرگی چون امپراتوری روم، ساسانی، عراق و آمریکا گردید، قطعاً روحیه و منش مجاهده در راه خدا و اهداف مقدس الهی بود و مبتنی بر آموزه‌هایی چون جهاد، شهادت، امر به معروف و نهی از منکر، «اِحْدَى الْحُسْنِیْنَ»، برقراری قسط و عدالت و دعوت انسانها به یکتاپرستی و اخلاق پسندیده، و مبارزه با هر گونه خرافات، باورهای باطل و ظلم و بی‌عدالتی بوده است. بدیهی است، توسعه و گسترش اسلام و حفظ استقلال و تمامیت ارضی و هویت ملی و تقویت مولفه های آن و گسترش نفوذ و تاثیر گذاری فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی ایرانیان در خارج از مرزهای ایران حقیقتاً مرهون همین ویژگیها و ظرفیت‌های فرهنگی و معنوی آن بود و پیروزیها و توفیقات رزمندگان پیش از آنکه ناشی از قابلیت نظامی و میزان تسلیحات و همچنین توانمندیهای اقتصادی ایشان باشد، معلول اعتقادات و باورهای ایمانی آنان بود (واثق، ۱۳۸۵: ۷۳۴-۷۳۶).

یکی از ابزارهای کارآمد برای نهادینه ساختن ارزشها در جامعه، مناسک و مراسم دفاع مقدس می باشد. هر چه این ارزشها در جامعه جاری و ساری باشد انسجام و پیوند



اجتماعی در جامعه بیشتر می شود و توان تولید قدرت نرم و نمادین را در جامعه پیدا می کند و درگیر بحرانهای اجتماعی و سیاسی، بحران معنا و هویت نمی شود. حفظ فرهنگ دفاع مقدس، ضامن بقا و استقلال ایران اسلامی می باشد. نتایج پژوهش نشان میدهد که رابطه معناداری میان دفاع مقدس و تقویت و بازسازی مولفه های مختلف قدرت و امنیت ملی ایرانیان وجود دارد. دفاع مقدس که اساسا متأثر از آموزه های مکتبی گفتمان انقلاب اسلامی بود زمینه ساز تحول و بازنگری در مبانی اسلامی و ایرانی هویت مردم ایران شد و میزان شناخت، پایبندی، حفظ و حراست و عمل به این مولفه ها را نزد ایرانیان بهبود بخشید.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم

- اختر شهری، علی (۱۳۸۵) مؤلفه های جامعه پذیری سیاسی در حکمت دینی، تهران، نشر سازمان انتشارات تبلیغات اسلامی.

- ابوغزاله، عبدالحلیم (۱۳۸۰) جنگ ایران و عراق، مترجم، نادر نوروزشاد، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

- بنیاداندیشه اسلامی (۱۳۹۱) تاثیر ادبیات داستانی انقلاب اسلامی بر ادبیات داستانی معاصر ایران.

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۷). بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران از منظر تحلیل گفتمان. پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۷۵-۹۵.

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳). گفتمان، پاد گفتمان و سیاست، تهران: مؤسسه تحقیقات علوم انسانی.

- جهان بینی، اسماعیل، فرقانی، قدرت اله (۱۳۸۹) مناطق راهبردی جهان، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) تهران.

- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی ایران، تهران، سمت..

--فصیحی، امان الله (۱۳۸۸) "مقایسه روش تبیین کارکردی جامعه شناسان و عالمان دین در عرصه دین پژوهی"، *دوفصلنامه علمی و تخصصی پژوهشی*، سال اول، شماره ۱۰۱، صص ۱۳۲-۱۵۰.

- رحیمیان، افسانه (۱۳۸۸) "ناملی بر شعر وشاعری در دوره دفاع مقدس" *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، سال سوم، شماره ۱۱، زمستان.
- روحانی، حسن (۱۳۸۸)، *اندیشه های سیاسی اسلام*، جلد سوم، مسایل اجتماعی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲) *نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، چاپ سوم
- سیمبر، رضا (۱۳۹۳) *تحلیل گفتمانی جنگ ایران و عراق*، انتشارات تهران، صص: ۱-۳
- شکویی، حسین (۱۳۹۳) *اندیشه های نو در فلسفه جرافیا*، فلسه های محیطی و مکتب های جغرافیایی، انتشارات گیتاشناسی، جلد دوم، تهران
- صالحی، عباس (۱۳۹۴) *نشست حماسه نگاران، پژوهشگران و سیاستگذاران*، کتاب با عنوان «روایت قلم»، صص: ۱-۳
- کدی، نیکی آر (۱۳۷۷) *ریشه های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ دوم، تهران، قلم.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹) *ایران و همسایگان*، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم، تهران.
- کیانی، امران (۱۳۹۸) *مناسک سیاسی و بازتولید قدرت*، رساله دکتری، دانشگاه یاسوج.
- لشگری تفرشی، احسان و احمدی، عباس (۱۳۹۵) *اصول و مبانی جغرافیای فرهنگی*، انتشارات سمت، تهران
- وائق، محمود (۱۳۸۵)، *ریشه های فکری و فلسفی جغرافیای سیاسی در آموزه های اسلامی*، پایان نامه دکتری، صص: ۷۷۰-۸۱۳.
- Al-Jumhuriyya, ۱ December (۱۹۸۷) **Al-Bunduqiyya Means "Gun" But Is Also The Name Of Venice.** The Pun Equates The Merchant Of Venice With Modern Arms Dealers
- Ebrahimi, Morteza (2012) **Evaluation Of Effects Of War Of Iraq Against Iran On Independence And Solidarity Of Iranian Nationalism**, **International Research Journal Of Applied And Basic Sciences**. Vol., 3 (6),
- Ofera, Bengio, (1998), **Saddam's Word: Word Political Discourse In Iraq**, New York: Oxford University Press .P. 225;
- Shahnavazi ,Behnaz And Samsam Hamid, (2014) **Lyrical Literary Themes In Holy Defense Poetry**, **Journal Of Social Issues & Humanities**, Volume 2, Issue 10, October 2014.Pp:1-6
- Siami, Qadir (2010) **Urban Geopolitics And Violence To Iranian Cites**,

تحليل گفتمانی و جامعه شناختی دفاع مقدس و تاثیر آن در تقویت ... □ ۳۵

Critical Theory Of Urban Destruction In Iraq War With Iran,P:21

- Dobbins, James,(2003) **American's Role In Nation Building**: From Germany To Iraq.London Press.

